

شناسایی و اولویت‌بندی عوامل ریشه‌ای تأثیرگذار در ارتقای رقابت‌پذیری منطقه‌ای مورد مطالعاتی: استان کردستان

هاشم داداش‌پور^۱: استادیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
مهدی ده ده جانی: کارشناس ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

با رشد جهانی شدن و تغییرات سریع در فضای جهانی، موضوع رقابت‌پذیری منطقه‌ای از اهمیت فزاینده‌ای برای شتاب بخشیدن به توسعه منطقه‌ای برخوردار شده است. یکی از پیامدهای جهانی شدن، ظهور اقتصادهای منطقه‌ای قدرتمندی است که تولید ناخالص منطقه‌ای برخی از آن‌ها زیادتر از تولید ناخالص ملی بیشتر کشورهاست. از این رو، از دهه ۱۹۹۰ میلادی، مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای در محافل عمومی کشورهای توسعه‌یافته و برخی کشورهای در حال توسعه به یک موضوع غالب تبدیل شده است تا کشورها از طریق آن به مجموعه روشنی از سیاست‌ها برای تقویت توسعه مناطق خود دست یابند. با این ذهنیت، هدف مقاله‌ی حاضر شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین عوامل رقابت‌پذیری است، که در توسعه استان کردستان تأثیرگذار هستند. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است، که با استفاده از داده‌های کمی و کیفی انجام می‌گیرد. داده‌های کمی پژوهش به روش اسنادی و داده‌های کیفی به روش پیمایشی و از طریق توزیع پرسشنامه گردآوری شده است. این پژوهش در گام نخست، عوامل ارزیابی رقابت‌پذیری منطقه‌ای را متشکل از ۴ عامل اصلی، ۲۶ معیار و ۶۲ زیرمعیار، تدوین کرده و در گام بعدی با کاربست این عوامل و مدل تحلیلی *MSA* و نرم‌افزار اکسل ضمن تحلیل داده‌هایی که از طریق توزیع پرسشنامه در میان ۲۹ نفر از نخبگان ۸ پیشران اصلی منطقه، گردآوری شده بود، به شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در رقابت‌پذیری استان کردستان پرداخته است. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که در سطح عامل‌ها، عامل اقتصادی با ۰/۲۴ و عامل نهادی-سیاسی با ۰/۱۸ و در سطح دوم معیارهایی چون کارآمدی نظام تولید با ۰/۴۴ و سیاست‌گذاری دولتی با ۰/۴۳ بیشترین تأثیر را در ارتقای رقابت‌پذیری منطقه‌ای استان کردستان دارند و در بخش پیشرانهای اقتصادی منطقه هم بخش‌های جنگلداری، ساختمان و کشاورزی به ترتیب با ۱/۳۲، ۱/۱۷ و ۱/۰۴ رقابت‌پذیرترین بخش‌های فعالیتی استان محسوب می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: رقابت‌پذیری منطقه‌ای، مزیت رقابتی، برنامه‌ریزی، توسعه منطقه‌ای، استان کردستان.

بیان مسأله:

با رشد جهانی شدن و تغییرات سریع در فضای جهانی، موضوع رقابت‌پذیری منطقه‌ای از اهمیت فزاینده‌ای برای شتاب بخشیدن به توسعه منطقه‌ای برخوردار شده است. یکی از پیامدهای جهانی شدن، ظهور اقتصادهای منطقه‌ای قدرتمندی است که تولید ناخالص منطقه‌ای برخی از آن‌ها زیاده‌تر از تولید ناخالص ملی بیشتر کشورهاست. در واکنش به این انگاره است که از دهه ۱۹۹۰ میلادی، مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای در محافل عمومی کشورهای توسعه‌یافته و برخی کشورهای در حال توسعه به یک موضوع غالب تبدیل شد تا کشورها از طریق آن بتوانند به مجموعه‌ای روشن از سیاست‌ها برای تقویت توسعه منطقه‌ای دست یابند (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۱). این رویکرد در پی آن است که با مفروض داشتن و برجسته کردن وجود نوعی رقابت بین مناطق، بر سر جذب سرمایه‌های مادی و انسانی مؤثر در توسعه، از منظر جدید به بحث توسعه منطقه‌ای پرداخته و مدیران و متولیان توسعه این مناطق را برای تقای بیش از پیش به منظور نیل به تعالی و پیشرفت تهییج کنند. رقابت‌پذیری منطقه‌ای رویکردی است بسیار کارآمد، که می‌تواند با مطالعه عمیق جنبه‌های گوناگون سیستم منطقه‌ای، ضمن شناسایی عوامل ریشه‌ای تأثیرگذار در توسعه یک منطقه و برآورد میزان اثرگذاری آنها، سمت و سوی راهبردهای توسعه منطقه‌ای را مشخص کرده و از این رهگذر سیاستگذاران منطقه‌ای را برای نیل به توسعه‌ای پایدار یاری رساند (Lengyel, 2007:590). در کشور ما از آغاز برنامه‌ریزی ملی، همواره به جنبه‌های منطقه‌ای توسعه توجه شده و از برنامه‌ی عمرانی سوم عملاً تفکر منطقه‌ای، علی‌الخصوص مفهوم تمرکززدایی، وارد متون برنامه‌ریزی شده و تاکنون ادامه داشته است، با این همه به گواهی اطلاعات موجود، برنامه‌ریزی‌های توسعه ملی توفیق چندانی در منطقه‌ای کردن توسعه و تقویت رقابت‌پذیری منطقه‌ای نداشته‌اند، چرا که نتوانسته‌اند نابرابری‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فضایی بین مناطق را کاهش دهند. فقر شدید در برخی مناطق کشور، نابرابری فرصت‌های شغلی، توزیع نابرابر امکانات و در نتیجه سیل مهاجرت از پیرامون به مرکز، کماکان مسائل اصلی توسعه در کشور محسوب می‌شوند (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۱-۱۱۲).

در این سالها کم‌توجهی به استعدادها و امکانات بالقوه‌ی مناطق که می‌توانند محمل توسعه منطقه‌ای شده و عامل ارتقای رقابت‌پذیری منطقه‌ای باشند، باعث استمرار و گاه تشدید عدم تعادل‌ها در فضای سرزمینی شده و توسعه مناطق را به امری حاشیه‌ای تبدیل کرده است؛ از این‌رو، با گذشت چند دهه از ورود مفهوم برنامه‌ریزی منطقه‌ای به متون نظری و تجربی برنامه‌ریزی در ایران نیل به توسعه متوازن با تأکید بر مزیت رقابتی، تمرکززدایی از جمعیت، فعالیت و امکانات همچنان دغدغه اصلی برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشور است (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۸۰). در این میان، استان کردستان هم با وجود داشتن استعدادهای طبیعی و انسانی کم‌نظیر که می‌توانند محرک توسعه بخش‌هایی چون کشاورزی، بازرگانی، گردشگری و تولید محصولات کانی غیرفلزی باشند، از این مسائل مبرا نیست. سهم این استان از تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۸۵ با وجود داشتن بیش از ۲ درصد جمعیت کشور، فقط ۰٫۹ درصد است و شاخص‌هایی چون نرخ بیکاری و مهاجرت هم مؤید فاصله بسیار زیاد آن از میانگین کشوری است؛ بدین‌صورت که نرخ بیکاری استان از ۷٫۹ درصد در سال ۱۳۷۵ به عدد ۱۴ درصد در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است. همچنانکه شاخص مهاجرت از ۲٫۷۶- در بازه زمانی ۷۵-۶۵ به ۴٫۰۹- در بازه‌ی زمانی ۸۵-۷۵ رسیده است، که نشانگر خروج جمعیت استان و حرکت آن به سمت سایر مناطق است. این شاخص‌ها و شاخص‌های دیگری از این دست، که روندهای حاکم بر استان را نشان می‌دهند، حاکی از آن هستند که روند توسعه استان نامطلوب و در جهت حاشیه‌ای‌تر شدن بیشتر بوده و آن را از رقابت جهت دستیابی به توسعه متناسب بازداشته است. این در حالی است که بررسی اسناد برنامه‌های توسعه ادوار گذشته کشور نشانگر آن است که در تمام این سالها، عزمی جدی برای توسعه این استان وجود داشته است؛ لیکن برنامه‌ریزی‌های توسعه استان به نتایج مطلوب خود نرسیده‌اند. این پژوهش بر آن است، با تکیه بر رویکرد رقابت‌پذیری منطقه‌ای، ضمن سنجش و ارزیابی عوامل تعیین‌کننده رقابت‌پذیری استان، در گام نخست به استخراج پیشرانهای اقتصادی آن مبادرت ورزیده و در گام دوم درجه اهمیت هر یک از زیرمعیارهای رقابت‌پذیری را اندازه‌گیری کند تا از این رهگذر بتواند اولویت‌های آینده توسعه استان را معین کند. بر این اساس سؤال‌ها و فرضیه‌هایی که بر این تحقیق مترتب است، بدین قرار است:

- الف) کدامیک از معیارها و زیرمعیارهای مرتبط با عوامل ارزیابی رقابت‌پذیری منطقه‌ای بیشترین تأثیر را بر ارتقای رقابت‌پذیری استان کردستان دارند؟
- ب) کدامیک از پیشرانهای استان در قیاس با سایر بخشهای فعالیتی از قابلیت بیشتری برای رقابت‌پذیری برخوردار است؟
- الف) به نظر می‌رسد که عوامل اقتصادی بیش از عوامل اجتماعی- فرهنگی بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای استان کردستان داشته باشد.
- ب) به نظر می‌رسد از میان پیشرانهای اقتصادی استان بخش کشاورزی و بازرگانی (خارجی) نسبت به سایر بخشها قابلیت بیشتری برای رقابت‌پذیرتر شدن داشته باشند.

پیشینه تحقیق:

بررسی‌های نویسندگان حاکی از آن است که در داخل کشور در زمینه رقابت‌پذیری منطقه‌ای کار مشابهی صورت نگرفته؛ اما در سطح جهانی، به خصوص در قاره اروپا، کارهای مختلفی در این زمینه انجام شده است. مهم‌ترین کار انجام شده در این زمینه در انگلستان و توسط رابرت هاگینز^۱ و همکاران در سال ۲۰۰۳ تحت عنوان تدوین شاخص رقابت‌پذیری انگلستان صورت پذیرفته است. هدف این پژوهش استخراج شاخص‌های ارزیابی مناطق انگلستان و رتبه‌بندی آنها بوده است. نتایج یافته‌ها حاکی از دستیابی به شاخص سه سطحی رقابت‌پذیری مناطق انگلستان است. از آن سال به بعد بر اساس این شاخص به صورت دوره-ای رتبه‌بندی مناطق ۱۲ گانه انگلستان برای بررسی میزان پیشرفت یا پسرفت آنها منتشر می‌شود. در فنلاند یان هوواری و همکاران (Huovari et al, 2000: 4) به محاسبه شاخص ارزیابی رقابت‌پذیری مناطق فنلاند پرداخته‌اند. هدف این تحقیق تدوین شاخص ارزیابی مناطق فنلاند و رتبه‌بندی آنها بوده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در مزیت رقابتی مناطق فنلاند سرمایه انسانی، نوآوری، تجمع و قابلیت دسترسی است. به عقیده هوواری و همکاران (2000) سرانه تولید ناخالص ملی و درآمد بیش از آنکه جزئی از اجزای رقابت‌پذیری باشند، پیامد و نتیجه آن هستند و لذا در سراسر فرآیند پژوهش تلاش آنها معطوف به این بوده که بین سرانه درآمد و اشتغال به عنوان پیامدهای رقابت‌پذیری^۲ و معرفها^۳ و معینها^۴ به عنوان منابع رقابت‌پذیری^۵ تفکیک قایل شوند. در رومانی دورین و نیکولتا ژولا در سال ۲۰۰۰ با هدف ارزیابی رقابت‌پذیری مناطق رومانی طی پژوهشی اقدام به تدوین شاخص‌های مختلف رقابت‌پذیری منطقه‌ای در این کشور نمودند. آنها چهار عامل اصلی ساختار فعالیت اقتصادی، گستره فعالیت‌های نوآورانه، قابلیت دسترسی منطقه‌ای و مهارت‌های نیروی کار را به عنوان معرف‌های رقابت‌پذیری منطقه‌ای مورد توجه قرار داده و با یک تحلیل رگرسیونی صحت فرضیه را اثبات کرده‌اند. رابرت استیمسون و همکاران (2006:315)، با روش تحلیلی چندبخشی به ارزیابی اجزای رقابت‌پذیری منطقه‌ای در هوشی مینه ویتنام پرداختند. هدف نهایی آنها از این تحقیق، سنجش رقابت‌پذیری منطقه‌ای و استخراج راهبردهای توسعه بوده که این مهم را از رهگذر شناسایی و اولویت‌بندی عوامل ریشه‌ای تأثیرگذار در فرآیند توسعه و ارتقای مزیت رقابتی منطقه و هدایت سرمایه‌های مادی و انسانی به سوی آنها جستجو می‌کنند. به طور مثال، آنها با مطالعه بخش زیرساخت‌های راهبردی، به عنوان یکی از اجزای سه‌گانه مدل رقابت‌پذیری پیشنهادی خود، به این نتیجه رسیده‌اند که زیرساخت راهبردی کسب و کار و بازرگانی به عنوان اولویت اول سرمایه‌گذاری در بین زیرساخت‌ها و صنایع مواد غذایی اولویت اول سرمایه‌گذاری در بین خوشه‌های صنعتی تأثیر تعیین‌کننده‌ای در رقابت‌پذیری منطقه‌ای در هوشی مینه دارند (Stimson et al, 2006:315).

مفاهیم و ادبیات حاکم بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای:

^۱. Robert Huggins

^۲. Outcome Of Competitiveness

^۳. Indicators

^۴. Determinants

^۵. Resource Of Competitiveness

منشاء مفهوم رقابت پذیری، اقتصاد سطح بنگاهی است که در سیر تکاملی خود قبل از ورود به بحث‌های منطقه‌ای در بادی امر وارد مباحث اقتصادی توسعه در سطح ملی یا کلان- اقتصادی شد. از همین رو، مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای اغلب از دو نظرگاه مختلف مورد توجه قرار گرفته است. از یک سو، گروهی از محققین، چون مایکل پورتر، با مبنا قرار دادن رقابت‌پذیری بنگاهی و با نگاه جزء به کل به مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای به مثابه حاصل جمع رقابت‌پذیری خرد (یعنی حاصل جمع رقابت‌پذیری تک‌تک بنگاه‌ها) پرداخته‌اند. از سوی دیگر، کسان دیگری چون استورپر^۱ و گاردینر^۲ با تکیه بر رقابت‌پذیری ملی و با نگاه کل به جزء، آن را به مثابه رقابت‌پذیری زیرمجموعه‌ای کوچکتر از رقابت‌پذیری ملی به حساب آورده‌اند. این در حالی است که برخی از اندیشمندان و از جمله چلینی^۳ و زوتسی^۴ (۲۰۰۲) ضمن رد هر دو دیدگاه بر نقصان چنین دیدگاه‌هایی تأکید کرده‌اند، لیکن علی‌رغم نقد هر دو دیدگاه تعریف بدیلی ارائه نکرده‌اند؛ به زعم آنها رقابت‌پذیری منطقه‌ای نه درباره سطح بنگاهی و نه درباره سطح ملی است؛ بلکه درباره مفهومی مستقل و بسیار پیچیده است (Borożan, 2007:56). در ادامه این دیدگاه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. رقابت‌پذیری منطقه‌ای به مثابه حاصل جمع خرد-اقتصادها:

مایکل پورتر تأثیر زیادی را در رقابت‌پذیری منطقه‌ای به مثابه حاصل جمع خرد- اقتصادها، یعنی به مثابه مفهومی خرد- اقتصادی و مرتبط با برون‌داد داشته است. در این رویکرد از یک سو رقابت‌پذیری منطقه‌ای بر عملکرد بنگاه‌ها بنیان گذاشته شده و از سوی دیگر بهره‌وری یک بنگاه نمایانگر رقابت‌پذیری آن است. به زعم پورتر (۲۰۰۲) رقابت‌پذیری منطقه‌ای معادل بهره‌وری است و توانایی تحقق سطح زندگی مطلوب برای شهروندان مبتنی بر سطح بهره‌وری است که منابع یک کشور را به خدمت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر مطلوبیت رو به رشد سطح زندگی، بر ظرفیت شرکت‌های یک کشور در دستیابی به سطوح بالای تولید و افزایش بهره‌وری در طول زمان بر می‌گردد. بر این اساس پورتر رقابت‌پذیری منطقه‌ای را بر حسب بهره‌وری شرکت‌های مستقر در منطقه، می‌سنجد. کروگمن هم با پورتر هم‌عقیده بوده و بر این باور است که "... بهره‌وری همه چیز نیست، اما در درازمدت، تقریباً همه چیز است، توانایی در ارتقاء سطح زندگی در طول زمان به توان افزایش میزان تولید هر فرد شاغل بستگی دارد" (Borożan, 2007:54). بر همین مبنا، تیرتو سوهارتو نیز رقابت‌پذیری را با بهره‌وری و بازدهی شرکت‌ها و صنایع در پیوند می‌بیند (Tirtosuharto, 2009:10). اما شناخت عملکرد و رقابت‌پذیری منطقه‌ای بواسطه بهره‌وری، مسائل جدید زیادی را پیش رو می‌گذارد. از این رو، پرونز^۵ (۲۰۰۴) معتقد است که این سیر نظری و عملی به جای توسعه یک منطقه، رشد آن را نشانه می‌گیرد. فرض اساسی این رویکرد این است که گویی بنگاه‌های مستقر در منطقه به عنوان یک کل دارای علائق و اهداف مشترکی هستند. مع‌الأسف، در عین حال که بنگاه‌ها در طلب دستیابی و افزایش مداوم بهره‌وری و سود خود هستند، رقابت‌پذیری منطقه‌ای در کنار بهره‌وری و سود، اهداف دیگری را هم پی می‌گیرد. در این خصوص، به زعم کیتسون اگر سخن پورتر در آنجا که می‌گوید مزیت رقابتی یک فرآیند کاملاً منطقه‌ای شده است، پذیرفته شود، در این صورت اقتضای چنین پذیرشی نیازمند توضیح بیشتری است؛ چرا که پیش‌فرض چنین مدعایی این است که یک وجه ممیزه و تعیین‌کننده برای توسعه منطقه‌ای وجود دارد؛ به این معنی که اقتصاد منطقه‌ای چیزی است فراتر از حاصل جمع اقتصاد زیرمجموعه‌اش (Kitson et al, 2004:993). هاگینز هم معتقد است که دو مفهوم رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و مناطق از هم مستقل هستند (Huggins, 2003:90). تحت این شرایط، پذیرش این جمله سخت خواهد بود که: «رقابت‌پذیری منطقه‌ای همان بهره‌وری بنگاه‌هاست و اینکه ارتقای بهره‌وری بنگاه‌ها در نهایت به بهروزی منطقه منجر خواهد شد».

ب. رقابت‌پذیری منطقه‌ای به مثابه مشتق کلان-اقتصادی:

^۱.Storper

^۲.Gardiner

^۳.Cellini

^۴.Soci

^۵.Perrons

منشأ این رویکرد که رقابت‌پذیری منطقه‌ای را به مثابه زیرمجموعه‌ای از رقابت‌پذیری سطح کلان - اقتصادی تعریف می‌کند؛ بر این عقیده است که بهره‌وری خرد - اقتصادی شرط لازم رقابت‌پذیری منطقه‌ای است و نه شرط کافی؛ به ویژه آنکه نیل به سطحی رضایت‌بخش از بهره‌وری هم در نهایت امر به تنهایی قادر نخواهد بود که توسعه پایدار منطقه‌ای را تضمین کند. بهروری و سعادت پایدار منطقه‌ای که با درآمد سرانه، نرخ اشتغال و محیط زیست سالم و مطلوب سنجیده می‌شود، کلیدی برای ارزیابی رقابت‌پذیری منطقه‌ای موفق محسوب می‌شود. این دیدگاه ضمن انتقاد از دیدگاه اول معتقد است فروکاستن رقابت‌پذیری منطقه‌ای به برآیند رقابت‌پذیری بنگاه‌ها، به معنی توجه صرف به مسائل اقتصادی و غفلت از جنبه‌های اجتماعی و محیطی رقابت‌پذیری است. به همین دلیل آنها رقابت‌پذیری منطقه‌ای را تلفیقی از نتایج اقتصادی، اجتماعی و گاه محیطی قلمداد کرده‌اند. استورپر^۱ در سال ۱۹۹۷ دیدگاه کلان - اقتصادی را مورد توجه قرار داده (*Borozaan, 2007:58*) و معتقد است: "رقابت‌پذیری قابلیت یک منطقه برای جذب و حفظ شرکت‌هایی است که سهمی پایدار و یا رو به رشد از بازار را در فعالیتی خاص به خود اختصاص داده‌اند و در عین حال که در حفظ و ارتقاء سطح زندگی مردم منطقه نقش دارند. "یعنی منطقه‌ای رقابت‌پذیر خواهد بود که تولید ارزش افزوده پایدار، بهبود کیفیت زندگی و رفاه شهروندان را امکان‌پذیر سازد. در همین راستا، دئیکسترا^۲ ضمن اشاره به این نکته که تأکید صرف بر بهره‌وری شرکت‌ها، به تعارض منافع و زیان شرکت‌ها و مردم منطقه منتهی می‌شود، و از رقابت‌پذیری منطقه‌ای به تعریفی می‌رسد تا به زعم او منافع شرکت‌ها و ساکنان را در هم - آمیزد: "توانایی عرضه کردن محیطی جذاب و پایدار به شرکت‌ها و ساکنان برای زندگی و کار" (*Dijkstra et al, 2011:3*). اما به عقیده منتقدان این دیدگاه، رقابت‌پذیری منطقه‌ای شعبه‌ای از رقابت‌پذیری ملی نیست و مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای بین سطوح خرد و کلان رقابت‌پذیری قرار گرفته است (*Bellu L et al, 2011:3*). به عقیده آنها یک منطقه نه اجتماع ساده‌ای از شرکت‌هاست و نه نسخه کوچک شده‌ای از یک کشور (*Dijkstra et al, 2011:3*). از نظر این منتقدان رقابت‌پذیری ملی، در قیاس با رقابت‌پذیری منطقه‌ای، ناهمگن‌تر و در سطحی بالاتر است؛ بنابراین، مفهوم رقابت‌پذیری ملی (کلان - اقتصادی) را نمی‌توان به طور کامل به سطح منطقه‌ای تعمیم داد.

با این همه و علی‌رغم اشکالاتی که بر این دیدگاه وارد است، به نظر می‌رسد در قیاس با نظرگاه اول از کارایی بیشتری برای تعریف رقابت‌پذیری منطقه‌ای برخوردار باشد. بر همین اساس است که سیاست‌گذاران نیز تعریف کلان - اقتصادی از رقابت‌پذیری را ترجیح داده و بر برون‌داد و معرف‌های عملکردی نظیر بهره‌وری و اشتغال همزمان، کیفیت محیط کسب و کار بنگاهی، خوشه‌بندی و تراکم فعالیت‌ها، و یا شدت دانش و نوآوری در رقابت‌پذیری منطقه‌ای تأکید دارند (*Borozaan, 2007:60*). مفهوم رقابت‌پذیری با نظریه‌های زیادی در سطح خرد و کلان گره خورده است. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به نظریه‌های کلاسیک و نئوکلاسیک، مکتب اقتصادی کینز، نظریه رشد اقتصادی درونزا، نظریه تجارت جدید، نظریه رشد شهری، اقتصاد بنگاهی جدید، اقتصاد استراتژی کسب و کار و نظریه اقتصاد تکاملی شومپیتر اشاره نمود (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۸). از زمان مرکانتیلیست‌ها در قرن شانزدهم تا به امروز که نظریه‌های جدید تجارت و توسعه شکل گرفته است (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۳)، تغییرات بسیار زیادی در عالم نظر در مورد علل و عوامل توفیق کشورها و مناطق ایجاد شده است. در ادامه، پس از بررسی این نظریه‌ها و واکاوی پیش‌فرض‌ها و محرک‌های اصلی و استخراج لوازم مرتبط با رقابت‌پذیری، برای تسهیل فهم بحث و ایجاد امکان مقایسه نظریه‌ها، با تأسی به مارتین و کارهایی که در این زمینه در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ انجام شده، مکاتب اصلی، نظریه‌ها، عناصر و مؤلفه‌های مهم آنها در جدولی واحد (جدول) ارائه می‌شود.

^۱.Storper

^۲.Dijkstra

جدول ۱- پشتوانه های فکری رقابت پذیری منطقه ای

نظریه / مکتب	مفاهیم مربوط به رقابت پذیری منطقه ای	ارتقاءدهنده های رقابت پذیری
مکتب اقتصادی کلاسیک	۱- همه مناطق بر پایه مزیت نسبی شان نقشی در تقسیم کار دارند. اما اگر فناوری، و در نتیجه بهره‌وری، در همه مناطق مثل هم شود در این صورت هیچ مبنایی برای تجارت وجود نخواهد داشت. ۲- علیرغم اینکه یک منطقه چه بسا در تولید یک کالا بسیار مولد باشد، مع الوصف ممکن است این صنعت خود را در بازار آزاد رو به زوال ببیند.	۱- سرمایه‌گذاری در فناوری موجب ارتقای تقسیم کار و در نتیجه افزایش بهره‌وری می‌شود. ۲- تجارت (تغییر وضعیت از خودکفایی به تجارت آزاد) موتور محرکه‌ای برای رشد فراهم می‌آورد.
مکتب اقتصادی نئوکلاسیک	۱- همه مناطق بر پایه ظرفیتهای خدادادی نسبی شان نقشی در تقسیم کار دارند. اما اگر ظرفیتهای خدادادی نسبی، در همه مناطق مثل هم شود در این صورت هیچ مبنایی برای تجارت وجود نخواهد داشت. ۲- تعدیل قیمت عامل مستلزم همگرایی بازده‌ها به نیروی کار و سرمایه است.	تجارت (تغییر وضعیت از خودکفایی به تجارت آزاد) موتور محرکه‌ای برای رشد فراهم می‌آورد.
مکتب اقتصادی کینز	۱- دولت‌ها می‌تواند با موفقیت در چرخه‌های اقتصاد مداخله کنند: زمان‌بندی حیاتی است. ۲- همگرایی مناطق با سیاستگذاری اقتصادی قابل تحقق است. ۳- تمرکز سرمایه موجب افزایش بهره‌وری و رشد می‌شود.	۱- تمرکز سرمایه (نیروی کار و فناوری) ۲- سرمایه‌گذاری ۳- هزینه‌کرد دولت، از جمله سرمایه‌گذاری در حوزه عمومی و کاهش مالیات برای بنگاهها
نظریه اقتصاد توسعه	۱- مناطق "مرکز" به واسطه مزیت‌های تولیدی اولیه خود احتمالاً پیشتازی خود را نسبت به مناطق "پیرامونی" کمتر مولد حفظ می‌کنند. ۲- رسیدن مناطق عقب افتاده به مناطق توسعه یافته با سرعت بسیار کمی اتفاق می‌افتد. ۳- سیاستگذاری برای رقابت‌پذیر کردن منطقه باید مراحل توسعه را مدنظر قرار دهد. ۴- سیاستگذاری برای رقابت‌پذیر کردن منطقه باید "اثر پخش" از طریق سرمایه‌گذاری مسقیم خارجی و یا صندوق توسعه را در نظر بگیرد.	۱- حرکت از کشاورزی به سمت بخشهای با ارزش افزوده بالا ۲- گشودگی به بازار تجارت ۳- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۴- صندوق (خارجی) توسعه
نظریه رشد درون‌زا	۱- تفاوت مناطق در بهره‌وری و رشد نتیجه تفاوت در فناوری و سرمایه انسانی است. ۲- بهبود فناوری و سرمایه انسانی موتورهای رشد هستند. ۳- تجارت آزاد می‌تواند برای توسعه فناوری و رشد و در نتیجه رقابت‌پذیری موثر باشد. ۴- سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه می‌تواند حیاتی باشد. ۵- ارتقای سرمایه انسانی با تعلیم و تربیت اهمیت کلیدی دارد.	۱- سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه ۲- نوآوری ۳- سطح آموزش ۴- سرمایه‌گذاری در آموزش و تربیت نیروی انسانی ۵- انتشار موثر دانش
نظریه تجارت جدید	۱- مزیت یا برتری که یک منطقه در رقابت‌پذیری ناشی از موقعیت شرکت‌های تولیدکننده آن منطقه است که به دلیل "پیشتازبودن" در صنعت مورد نظر از نوعی مزیت رقابتی و استراتژیک برخوردار شده‌اند. ۲- به منظور دستیابی به صرفه‌های خارجی ناشی از مقیاس به تخصص‌یابی در سطح شاخه‌های مختلف صنعت نیاز داریم. ۳- اندازه بازار داخلی برای دستیابی به صرفه‌های داخلی ناشی از مقیاس حیاتی است. ۴- سرمایه‌گذاری در نیروی کار، زیرساخت‌های تخصصی، شبکه‌های تامین‌کننده و فناوریهای محلی شده صرفه‌های خارجی ناشی از مقیاس را افزایش می‌دهد.	فاکتورهای موثر در ارتقای رقابت‌پذیری همان عواملی هستند که مزیت "پیشتاز بودن" را تحت تاثیر قرار می‌دهند، به عنوان مثال: ▪ نیروی کار ماهی ▪ زیرساخت تخصصی ▪ شبکه‌ها و تامین‌کننده‌ها ▪ فناوریهای محلی شده
نظریه رشد	۱- در این زمینه که چه چیزی باعث رشد نوآوری محلی می‌شود دو دیدگاه وجود دارد.	۱- نوآوری ۲- برتری در فناوری

۳- کارآفرینی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ تخصص‌یابی اقتصادی منطقه‌ای ▪ تنوع اقتصادی منطقه‌ای 	نوشومپیتری
<p>خوشه‌ای شدن از طرق زیر ارتقای رقابت‌پذیری منطقه‌ای را با افزایش بهره‌وری فراهم می‌کند:</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ رقابت بین‌بنگاهی ▪ سرریز دانش ▪ نوآوری ▪ سرمایه‌گذاری ▪ نیروی کار ماهر متخصص 	<p>۱- مزیت رقابتی یک منطقه مبتنی است بر حضور خوشه‌های محلی شده از صنایع صادرات‌محور تخصصی شده</p> <p>۲- دو متغیر شانس و دولت تاثیر غیرقابل انکاری در سطح رقابت‌پذیری دارند.</p>	نظریه خوشه‌های صنعتی
مهمترین عامل ارتقاءدهنده طبق این نظریه داشتن قابلیت تعریف مسیرهای جدید توسعه است که تکامل و تحول اشکال نهادی برای این مهم بسیار ضروری است.	<p>۱- نظریه تکاملی بر مزیت رقابتی پویا تاکید دارد.</p> <p>۲- قابلیت‌های انطباقی یک اقتصاد منطقه‌ای برای ارائه واکنش مناسب به تغییرات بازار، ظهور رقبا جدید، توسعه فناوریهای جدید، مهمترین عامل حفظ سطح رقابت‌پذیری منطقه‌ای است.</p>	نظریه اقتصاد تکاملی
<p>نهادهای رسمی و غیررسمی مطلوب و به لحاظ منطقه‌ای تثبیت شده، از جوامع کسب‌وکاری و تجاری، تا اعتماد عمومی و سایر اشکال سرمایه اجتماعی همه و همه، یک محیط مطلوب برای توسعه اقتصادی و رشد فراهم می‌آورند.</p>	۱- مزیت رقابتی یک منطقه از "غلظت" نهادهايش بدست می‌آید.	مکتب نهادگرایی
<p>۱- ارتقای سطح مدارا با آموزش ساکنان</p> <p>۲- ارتقای کیفی و کمی تسهیلات و زیرساختهای فرهنگی</p>	<p>۱- رقابت‌پذیری منطقه‌ای بستگی دارد به:</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ تنوع فرهنگی و مدارا که موجب رشد نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی می‌شود. ▪ تسهیلات و زیرساختهای مطلوب فرهنگی که کیفیت زندگی را در راستای کمک به جذب نیروی کار و کسب‌وکارهای ارتقاء می‌دهد. 	نظریه اقتصاد فرهنگی
	<p>هر چند تمام نظریه‌های فوق با فهم رقابت‌پذیری ارتباط مستقیم دارند لیکن اغلب بعد فضایی که برای درک رقابت‌پذیری منطقه‌ای بسیار حیاتی است؛ در آنها غایب است. منبع اصلی همه چنین نظریاتی زمینه جغرافیای اقتصادی است که چه شامل سه جریان اصلی زیر باشد:</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ جغرافیای اقتصادی اصلی ▪ اقتصاد منطقه‌ای ▪ جغرافیای اقتصادی جدید 	نظریه جغرافیای اقتصادی

منبع: نویسندگان، ۱۳۹۲، با اقتباس از (Martin, 2004: 10-19) و (Martin, 2005: 16-23) و (دینی ترکمانی، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۰۴) و (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۷).

روش تحقیق:

از منظر عام، مقاله حاضر به لحاظ هدفی که بر آن مترتب است از نوع ارزیابی است. این نوع تحقیقات، فرآیندی جهت جمع‌آوری و تجزیه تحلیل اطلاعات برای تصمیم‌گیری هستند (خاکی، ۱۳۸۸: ۲۰۴)؛ و از منظر روش این تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کمی و کیفی انجام گرفته است که داده‌های کمی آن به روش اسنادی و از میان آمار و اطلاعات منتشره از سوی سازمان‌های آماری رسمی کشور و پژوهش‌های علمی منتشر شده در نشریات علمی، با موضوع استان کردستان، استخراج و به کار گرفته شده است. داده‌های کیفی، اما، به روش پیمایشی از طریق توزیع پرسشنامه گردآوری شده است. نمونه‌گیری به صورت غیراحتمالی و مبتنی بر قضاوت محقق با اخذ مشاوره از متولیان برنامه‌ریزی توسعه استان، از میان خبرگان و صاحبان کسب و کار در رشته‌های فعالیتی پیشران کردستان صورت گرفته است. از مجموع ۳۶ پرسشنامه توزیع شده، تعداد ۳۱ پرسشنامه تکمیل شد که از میان آنها ۲ پرسشنامه به علت ناقص بودن در مرحله اول ممیزی حذف شدند و ۳ پرسشنامه دیگر، در مرحله دوم پالایش داده‌ها، به علت غیرمجاز بودن ضریب ناسازگاری از گردونه کنار گذاشته شدند و بنابراین تحلیل نهایی با ۲۶ پرسشنامه به انجام رسید. واحد مشاهده در تحقیق فرد و واحد تحلیل بخش‌های فعالیتی پیشران استان است. از منظر خاص رقابت‌پذیری، در گام نخست با بررسی متون نظری و تجربی موضوع، عوامل ارزیابی رقابت‌پذیری

منطقه‌ای متشکل از ۴ عامل، ۲۶ معیار و ۶۲ زیرمعیار، تدوین شده و در گام بعدی با کاربست این عوامل به ارزیابی و سنجش رقابت‌پذیری کردستان پرداخته شده است. جدول عوامل ارزیابی تدوین شده را نمایش می‌دهد.

جدول ۲- عوامل، معیارها و زیر معیارهای ارزیابی رقابت‌پذیری منطقه‌ای تحقیق

عامل اقتصادی		عامل زیرساختی	
نظام توزیع کالا و خدمات	سطح دسترسی مستقیم به مشتری داخلی	زیرساخت	پهنای باند اینترنت
	سطح دسترسی به مشتری خارجی	دسترسی مجازی	ضریب نفوذ اینترنت
	کنترل کیفیت کالا و خدمات	زیرساخت	حمل و نقل جاده ای
سرمایه گذاری	سرمایه گذاری مستقیم خارجی	دسترسی	حمل و نقل ریلی
	سرمایه گذاری بخش دولتی		حمل و نقل هوایی
	سرمایه گذاری بخش خصوصی	زیرساخت	دانشگاه ها و مراکز فنی و حرفه ای
نظام تولید	تخصصی شدن تولید	دانشی-پژوهشی	پژوهشکده های تخصصی
	مکانیزه شدن تولید(فناوری)	و مهارتی	واحد تحقیق توسعه در شرکتها
	تورم	زیرساخت تامین	شبکه تامین برق
ثبات اقتصادی ملی	نرخ ارز		شبکه تامین گاز
	سطح رقابت آزاد و عادلانه افراد و شرکتها	انرژی و آب	شبکه مهار و انتقال آب شرب، صنعتی و کشاورزی
	شایسته سالاری	زیرساختهای انسانی	کمیت نیروی کار
رقابت آزاد	سهولت راه اندازی کسب و کار		کیفیت نیروی کار
	سهولت اخذ تسهیلات بانکیها و موسسات تامین مالی	زیرساختهای گردشگری	هتل
	تمرکز جغرافیایی فعالیت مشابه		رستوران
کارآمدی بازار مالی	تمرکز جغرافیایی فعالیت مکمل		خدمات بین راهی
	توزیع متوازن فعالیتهای اقتصادی در استان		
	مکانیابی واحدهای تولیدی		
عامل اجتماعی- فرهنگی			
باورهای مردم	دیدگاه افراد درباره مقوله کار		
	دیدگاه افراد درباره مقوله ثروت و ثروتمندان		عامل نهادی - سیاسی
	حس امید افراد به آینده	فضای بین‌المللی	جایگاه کشور در جهان
احساسات و عواطف مردم	حس نوع دوستی افراد		سطح روابط کشور با همسایگان غربی
	حس تعلق به آب و خاک (عرق ملی و منطقه ای)	فضای سیاسی ملی	مشارکت مردم در تصمیم سازی
	حس غرور ملی و منطقه ای		ثبات سیاسی کشور و منطقه
خواسته های مردم	اصلاح فرهنگ مصرف افراد	سیاستگذاری کلان:	سیاستهای مناسب دولت برای توسعه
	افق دید افراد در مسائل		سیاستهای حمایتی دولت از تولید
	روحیه کارآفرینی		ثبات تصمیمات سیاستمداران
امنیت عمومی	سیاستگذاری کارآمد دولت برای مدیریت صحیح واردات و صادرات		
امنیت سرمایه گذاری	حمایت دولت از کسب و کارهای دانش-بنیان و نوآور		
	آزادی اجتماعی		آزادی تشکیل تشکل صنفی مستقل از دولت
اعتماد	اعتماد مردم به مردم	قانون	حاکمیت قانون در جامعه
	اعتماد مردم به دولت	اخلاق	رواج اخلاقی زیستی در بین مردم
عدالت	عدالت اجتماعی		

اجماع نخبگان سیاسی، مذهبی و فرهنگی بر جهتگیری کلان در سطح ملی	اجماع		عدالت جغرافیایی	
---	-------	--	-----------------	--

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۲.

با توجه به گونه مطالعه رقابت‌پذیری مورد نظر این تحقیق، روش استفاده شده در مدل تحلیل چندبخشی استیمنسون به عنوان مبنایی برای تحلیل استفاده خواهد شد. ابزار اصلی *MSA* یک ماتریس است که برای سنجش و تحلیل متغیرهای گوناگون موجود در آن دسته از بخشهای صنعتی به کار می‌رود که ساختار اقتصاد یک منطقه را شکل می‌دهند. (جدول ۱).

جدول ۱- ماتریس پایه مورد استفاده برای *MSA*

سنجه اهمیت معیار ارزیابی	بیشینه (برای $n=3$)	جمع کل	صنعت n	صنعت ۲	صنعت ۱	بخشهای صنعتی	معیار ارزیابی
۰,۰۷	۱۵	۱	۰	۱	۰		معیار ۱
۰,۲۷	۱۵	۴	۰	۳	۱		معیار ۲
۰,۱۴	۱۵	۲	۲	۰	۰		معیار ۳
۰,۶۰	۱۵	۹	۳	۴	۲		معیار ۴
۰,۷۴	۱۵	۱۱	۵	۴	۲		معیار m
			۱۰	۱۲	۵		جمع کل
			۲۵	۲۵	۲۵		بیشینه (برای $m=5$)
			۰,۴۰	۰,۴۸	۰,۲۰		سنجه عملکرد بخش صنعتی

منبع: (Stimson et al, 2006:283)

یکی از مهم‌ترین مسائل روش‌شناختی روش تحلیل مدل چندبخشی وزن‌دهی عوامل یا معیارهایی است که برای ارزیابی رقابت‌پذیری منطقه‌ای به کار می‌روند. در *MSA* روش پیشنهادی استیمنسون برای استخراج وزنها استفاده از یک مقیاس لیکرت است؛ لیکن به نظر می‌رسد در بخش وزن‌یابی می‌توان بر آن اشکال وارد کرد. این اشکال زمانی که تعداد زیرمعیارها رو به تزاید می‌گذارد تشدید می‌شود، چرا که امکان مقایسه ذهنی شمار بالایی از عوامل بسیار دشوارتر شده و در نتیجه پاسخ‌دهنده‌ها در تعیین اهمیت نسبی یا همان وزن زیرمعیارها دچار خطا می‌شوند. برای اصلاح این نقصان در این پژوهش، علاوه بر مقیاس لیکرت از سیستم وزن‌یابی روش تحلیل سلسله مراتبی به عنوان روشی مکمل و برای تدقیق نتایج پژوهش استفاده شد. پرسشنامه‌ها مبتنی بر عوامل ارزیابی استخراجی پژوهش، روش تحلیل چندبخشی و شیوه گردآوری داده‌های مربوطه و با لحاظ روش وزن‌دهی مدل تحلیل سلسله مراتبی تدوین و پس از اطمینان از روایی و اعتبار آن در تعداد مورد نیاز، جهت ارائه به افراد نمونه آماری تهیه گردید.

یافته‌های تحقیق:

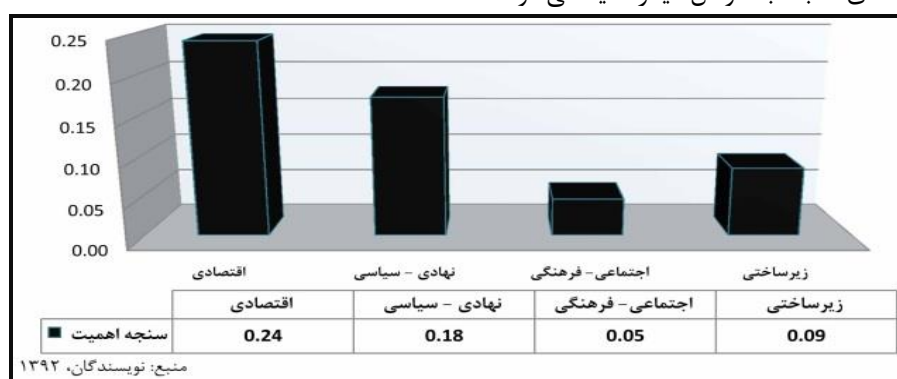
هدف از انجام این تحقیق، شناسایی و اولویت‌بندی عوامل تأثیرگذار در رقابت‌پذیری استان کردستان بود. برای نیل به این هدف در فرآیند مطالعات با تکیه بر انواع مدل‌های تبیین‌کننده رقابت‌پذیری منطقه‌ای، ابتدا عوامل ارزیابی در چهار بخش اصلی تدوین شد. این عوامل در واقع همان اجزای سیستم منطقه‌ای بودند که بنا بود در روند مطالعات تعیین اهمیت و فاصله شوند. پس از جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها، در نهایت در دو بخش اصلی "عوامل ارزیابی" و "پیشران" نتایج استخراج گردید:

عوامل، معیارها و زیرمعیارهای تأثیرگذار در رقابت‌پذیری استان: عوامل ارزیابی رقابت‌پذیری منطقه‌ای مورد استفاده این پژوهش، به ترتیب در سه سطح "عامل"، "معیار" و "زیرمعیار" تدوین گردید و مهم‌ترین هدف پژوهش تحلیل و ارزیابی این عوامل در سطوح مختلف بود تا از این رهگذر بتواند به اولین و مهم‌ترین پرسش این تحقیق پاسخ داده و مشخص شود که در هر یک از این سطوح سه‌گانه، کدامیک از عناصر و اجزاء، بیشترین تأثیر را در رقابت‌پذیری استان کردستان دارند، سنجهای که

این مهم را اندازه می‌گیرد "سنجه اهمیت"، مستخرج از ماتریس‌های چهارگانه اهمیت است؛ نتایج حاصل از این بخش به قرار زیر است:

الف. سطح عاملها:

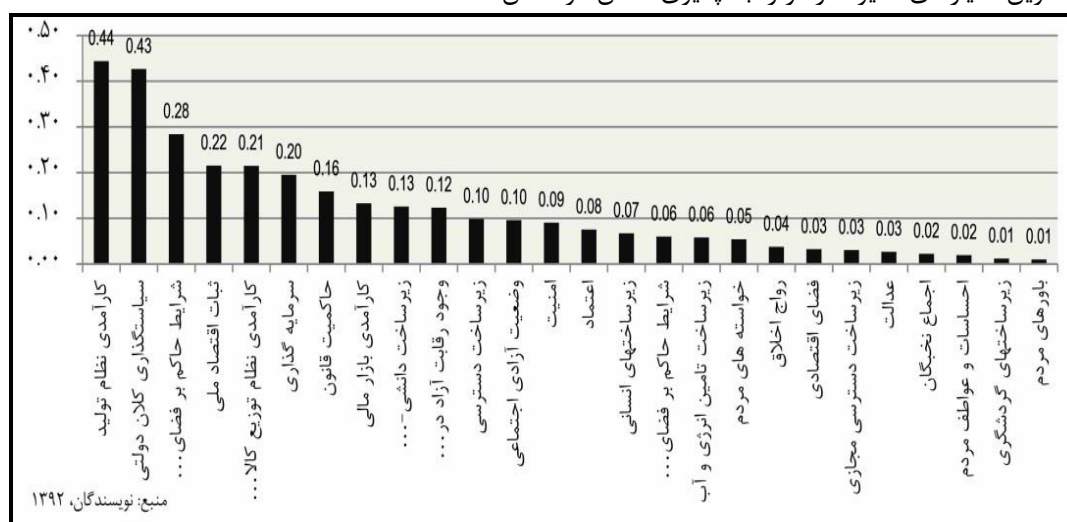
چنانچه در نمودار شماره ۱ نیز مشخص است، نتایج تحلیل نشان می‌دهد که در این سطح، عامل‌های اقتصادی با ۰/۲۴، نهادی-سیاسی با ۰/۱۸، زیرساختی با ۰/۰۹ و اجتماعی-فرهنگی با ۰/۰۵ به ترتیب بیشترین اهمیت را در رقابت‌پذیری استان کردستان دارند؛ به این معنا برای ارتقای رقابت‌پذیری استان کردستان سازوکارهای اقتصادی و پس از آن سازوکارهای نهادی-سیاسی مهم‌ترین بخش‌هایی هستند که باید به آنها پرداخته شود. نتیجه قابل توجه این تحلیل آن است که پرسش‌شوندگان در اکثر پیشرانها، برای عامل اجتماعی-فرهنگی اهمیت اندکی قایل شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که فرضیه اول تحقیق مبنی بر اهمیت عوامل اقتصادی نسبت به عوامل دیگر تأیید می‌شود.



نمودار ۱- سنجه اهمیت عوامل رقابت‌پذیری استان کردستان

ب. سطح معیارها:

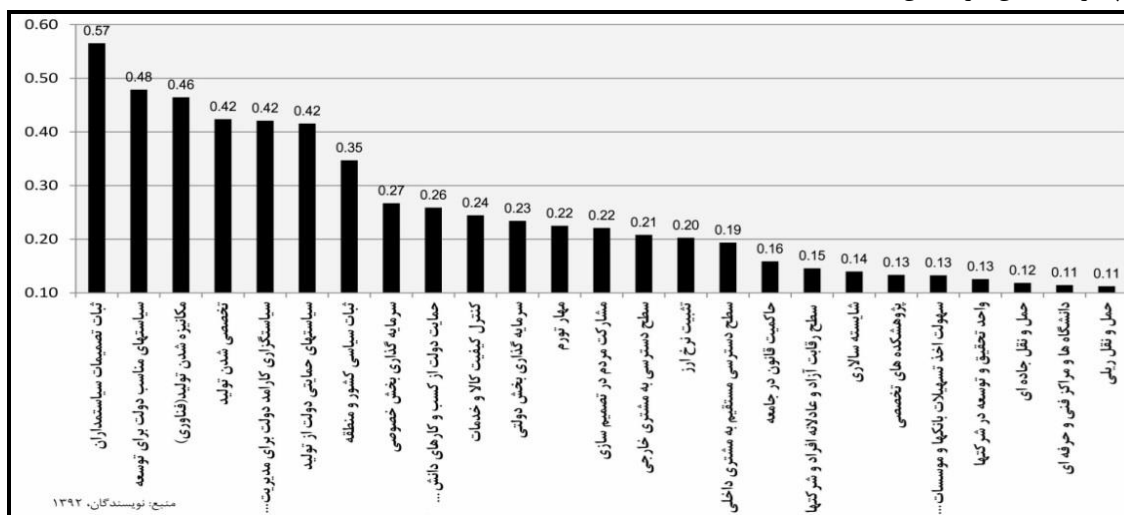
همانطور که از نمودار ۲ بر می‌آید، در این سطح معیارهای "کارآمدی نظام تولید" با ۰/۴۴، "سیاستگذاری کلان دولتی" با ۰/۴۳، "شرایط حاکم بر فضای سیاسی ملی" با ۰/۲۸، "ثبات اقتصاد ملی" با ۰/۲۲ و "کارآمدی نظام توزیع کالا و خدمات" با ۰/۲۱ مهمترین معیارهای تأثیرگذار در رقابت‌پذیری استان کردستان هستند.



نمودار ۲- سنجه اهمیت معیارهای رقابت‌پذیری استان کردستان

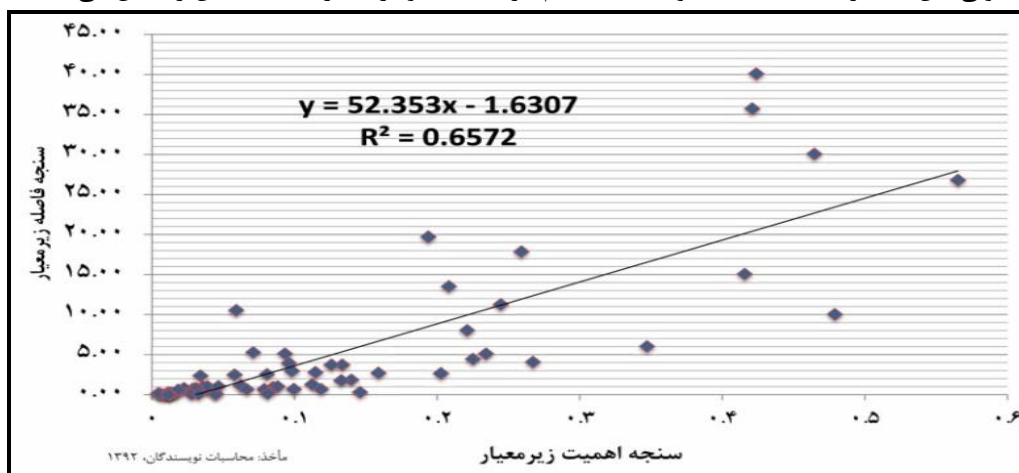
ج. سطح زیرمعیارها:

از کل ۶۲ زیرمعیار رقابت‌پذیری استان کردستان، نمودار شماره ۳ تعداد ۲۵ عدد از مهم‌ترین زیرمعیارها تأثیرگذار بر رقابت‌پذیری استان کردستان را نمایش می‌دهد. همانطور که از این نمودار برمی‌آید، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین زیرمعیارهای رقابت‌پذیری استان در عامل‌های اقتصادی و نهادی-سیاسی قرار گرفته‌اند. بر این اساس زیرمعیارهای "ثبات تصمیمات سیاستمداران" با ۰/۵۷، "سیاست‌های مناسب دولت برای توسعه" با ۰/۴۸، "مکانیزه شدن تولید" با ۰/۴۶، "تخصیص شدن تولید" با ۰/۴۲ و "سیاست‌گذاری کارآمد دولت برای مدیریت..." با ۰/۴۲ به ترتیب مهم‌ترین زیرمعیارهای رقابت‌پذیری استان کردستان هستند.



نمودار ۳- سنجه اهمیت زیرمعیارهای رقابت‌پذیری استان کردستان

علاوه بر این، نتیجه جانبی دیگر در فرآیند تحلیل، سنجش میزان فاصله یا انحراف نسبی عامل‌ها، معیارها و زیرمعیارها از وضع مطلوبی است که برای رقابت‌پذیری استان ضرورت دارد، که با سنجه فاصله، مستخرج از ماتریس‌های چهارگانه فاصله، اندازه‌گیری می‌شود. نگاه اجمالی به خروجی ماتریس‌های سه‌گانه اهمیت و ماتریس‌های سه‌گانه فاصله، ارتباط معناداری را بین مقادیر "سنجه اهمیت" و مقادیر "سنجه فاصله" آنها نشان می‌دهد. برای بررسی وجود چنین رابطه‌ای، در سطح زیرمعیارها، یک تحلیل رگرسیونی بین مقادیر سنجه "اهمیت" و "فاصله" انجام گرفت که نمودار شماره ۴ نتیجه آن را نشان می‌دهد.



نمودار ۴- تحلیل همبستگی بین سنجه اهمیت و فاصله در سطح زیرمعیارها

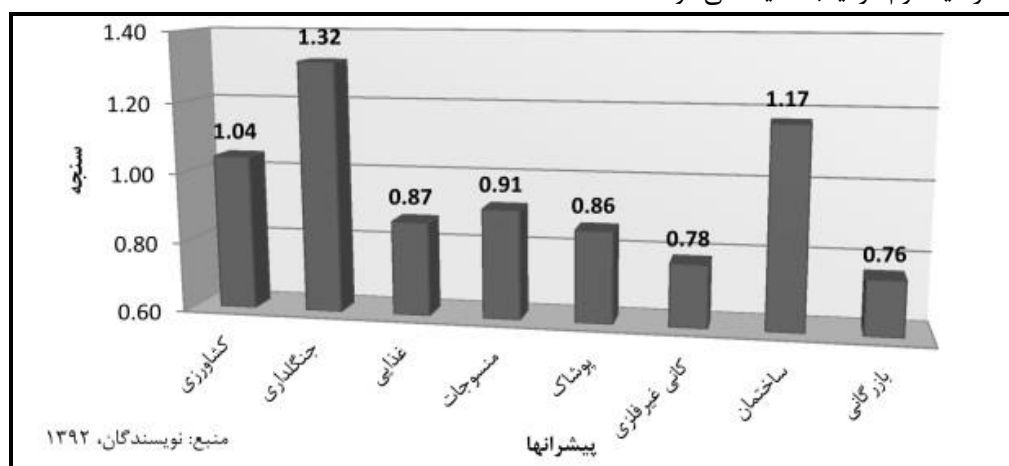
همانطور که از نمودار بر می‌آید رابطه نسبتاً معناداری میان این دو متغیر وجود دارد (ضریب تعیین = ۰/۶۶). بر اساس ضریب تعیین حدود ۶۶ درصد از زیرمعیارهای رقابت‌پذیری استان کردستان متناسب با میزان اهمیت‌شان، از شرایط ایده‌آل

فاصله دارند، یعنی هر چه زیرمعیار مهم‌تر، فاصله‌اش از وضع مطلوب بیشتر. این مسئله عقب‌ماندگی منطقه را تشدید می‌کند؛ کما اینکه آمار سالهای گذشته استان کردستان مؤید افزایش شکاف بین شاخص‌های توسعه‌یافتگی استان و میانگین کشوری است. با بررسی نتایج حاصل از بخش اول، به نظر می‌رسد، از نقطه نظر خبرگان و نخبگان منطقه موانع اصلی رقابت‌پذیری استان در مسائل و مشکلاتی است که اولاً در نظام سنتی و ناکارآمد تولید و ثانیاً در ساختار ناکارآمد مدیریت منطقه ریشه دارد. کمبود زیرساخت‌های نرم همانند "زیرساخت دانشی- پژوهشی و مهارتی" و "زیرساخت انسانی" و همچنین زیرساخت‌های سخت چون "زیرساخت دسترسی" از دیگر موانع رقابت‌پذیری استان هستند.

قابلیت رقابت پذیری پیشرانهای هشتگانه استان:

در بخش پیشرانها پس از ارزیابی همزمان، مشخص شد که هر پیشران به چه تعداد از زیرمعیارهای رقابت‌پذیری (همان اجزای سیستم یا ماشین منطقه‌ای) وابسته است و در عین حال شدت و اهمیت این وابستگی به چه میزان است (سنجه قابلیت رقابت‌پذیری پیشران). هر چه برآیند این وابستگی کمی و کیفی کمتر باشد پیشران از قابلیت بیشتری برای رقابت‌پذیری برخوردار است؛ به این معنی که ارتقاء با سهولت بیشتری انجام می‌پذیرد؛ در این بخش نتایج زیر به دست آمد:

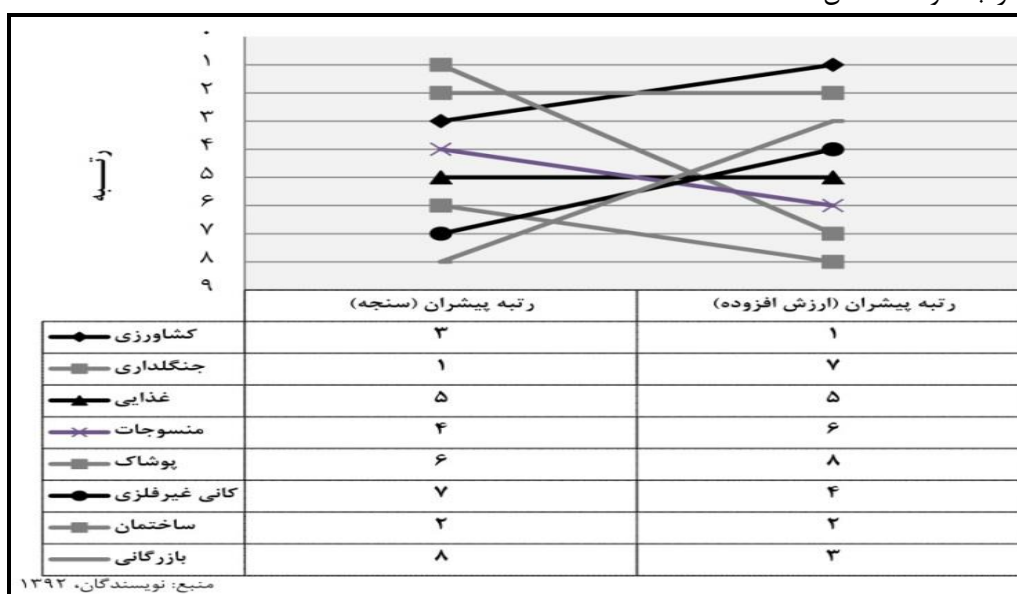
همانطور که از نمودار شماره ۵ بر می‌آید، بخشهای جنگلداری با ۱/۳۲، ساختمان با ۱/۱۷ و کشاورزی با ۱/۰۴ به ترتیب به عنوان رقابت‌پذیرترین بخشهای فعالیتی استان کردستان شناخته شدند. چنانچه توضیح داده شد معنای آن این است که ارتقای رقابت‌پذیری بخش فعالیتی جنگلداری در قیاس با سایر بخشها اولاً بر بهبود وضع کیفی تعداد کمتری از زیرمعیارهای رقابت‌پذیری وابسته است و ثانیاً شدت این وابستگی نیز در قیاس با سایر پیشرانها کمترین میزان است؛ به همین دلیل با کمترین میزان سرمایه‌گذاری و صرف منابع، بیشترین میزان بهبود را در سطح رقابت‌پذیری آن می‌توان شاهد بود. در این حالت باید گفت که فرضیه دوم در اینجا تأیید نمی‌شود.



نمودار ۵- سنجه قابلیت رقابت‌پذیری پیشرانهای هشتگانه استان

البته لازم است یادآوری شود که این نتایج بدون در نظر گرفتن سهم ارزش افزوده و بدون اینکه پیشرانها نسبت به هم از این منظر قیاس شوند بدست آمده است. بنابراین در تحلیل نهایی، برنامه‌ریزان برای انتخاب اولویت‌های اول سرمایه‌گذاری برای ارتقای رقابت‌پذیری علاوه بر نتایج این تحلیل به سهمی که هر یک از این پیشرانها در اقتصاد استان به خود اختصاص داده‌اند نیز توجه خواهند داشت و انتخاب مهم‌ترین و رقابت‌پذیرترین پیشرانها با لحاظ توأمان نتایج این تحلیل و سهم ارزش افزوده هر پیشران - و عوامل زیرمعیار دیگر- صورت می‌پذیرد؛ به این معنی است که ممکن است در تحلیل نهایی و بعد از لحاظ کردن نتایج این تحقیق و جمیع جوانب دیگر (از جمله سهم ارزش افزوده و اشتغال و میزان بهره‌وری پیشران) اولویت-بندی پیشرانها برای عطف توجه و هدایت انواع سرمایه‌های مادی و معنوی به سمت آنها دگرگون شود. نمودار شماره ۶ پیشرانهای هشتگانه استان را از نظر رتبه در سنجه قابلیت رقابت‌پذیری و رتبه در ارزش‌افزوده تولیدی مقایسه می‌کند و همانطور که از آن برمی‌آید بخش جنگلداری که از نظر قابلیت رقابت‌پذیری رتبه اول را دارد از نظر سهم ارزش افزوده در رتبه

ماقبل آخر قرار گرفته است و بخش ساختمان و صنایع غذایی تنها پیشرانهایی هستند که در هر دو بخش در یک رتبه قرار گرفته‌اند و بخش بازرگانی علیرغم اینکه سومین بخش بزرگ اقتصادی استان است از منظر سنجه قابلیت ارتقای رقابت‌پذیری آخرین رتبه را به خود اختصاص داده است.



نمودار ۶- مقایسه رتبه ۸ پیشران از نظر سهم ارزش افزوده و سنجه رقابت‌پذیری

در بخش پیشرانها همچنین با به کارگیری سنجه "فاصله پیشران" میزان انحراف هر یک از پیشرانها از وضع مطلوب و سطح ایده‌آل رقابت‌پذیری معین گردید. وضع این سنجه را در پیشرانهای هشتگانه نشان می‌دهد و همانطور که از جدول برمی‌آید، بخشهای بازرگانی با ۴/۰۳ و صنایع غذایی با ۳/۸۵ بیشترین انحراف و بخشهای جنگلداری با ۲/۶۷ و ساختمان با ۲/۷۸ کمترین انحراف را از وضع مطلوب رقابت‌پذیری دارند. (جدول شماره ۴).

جدول ۲- نتایج ارزیابی فاصله پیشرانها از سطح مطلوب رقابت‌پذیری

بازرگانی	ساختمان	سایر محصولات کانی غیرفلزی	صنایع پوشاک	صنایع منسوجات	صنایع غذایی	جنگلداری	کشاورزی	سنجه فاصله پیشران
۴,۰۳	۲,۷۸	۳,۴۸	۳,۳۸	۲,۹۹	۳,۸۵	۲,۶۷	۳,۰۱	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها:

هدف اصلی این مقاله شناسایی و اولویت‌بندی عوامل ریشه‌ای تأثیرگذار در ارتقای رقابت‌پذیری کردستان بود تا از این رهگذر با شناسایی و رتبه‌بندی این عوامل دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی استان را در جهت دستیابی به راهبردهای مؤثر در توسعه استان یاری رساند. از این منظر، نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که در سطح اول عوامل ارزیابی، "عامل اقتصادی" و "عامل نهادی-سیاسی" مهم‌ترین عوامل مؤثر در ارتقای رقابت‌پذیری استان هستند. در سطح دوم عواملی چون "کارآمدی نظام تولید" و "سیاست‌گذاری دولتی" و در سطح سوم "ثبات تصمیمات سیاست‌مداران" و "سیاست‌های مناسب دولت برای توسعه" بیشترین تأثیر را در ارتقای رقابت‌پذیری منطقه‌ای استان کردستان دارند و در عین حال همین عاملها بیشترین فاصله را از وضع مطلوب دارند؛ به این معنی که تحلیل داده‌های مربوط به قوت زیرمعیارها نشانگر آن است که در اکثر موارد ارتباط مستقیم نسبتاً معناداری بین میزان اهمیت یک عامل در ارتقای رقابت‌پذیری استان و میزان انحراف آن از وضع مطلوب وجود دارد؛ که

این موضوع می‌تواند توضیح دهنده شکاف فزاینده بین سطح توسعه‌یافتگی استان و میانگین کشوری تلقی شود. علاوه بر این، بررسی میزان اهمیت عوامل مؤثر در رقابت‌پذیری منطقه در سطح زیرمعیارها، نتایج تأمل‌برانگیز دیگری را ارائه می‌دهد.

در بخش پیشرانهای اقتصادی منطقه هم بخشهای "جنگلداری"، "ساختمان" و "کشاورزی" رقابت‌پذیرترین بخشهای فعالیتی استان هستند. البته همانطور که در بخش قبل عنوان گردید این نتایج بدون در نظر گرفتن سهم ارزش افزوده و بدون اینکه پیشرانها نسبت به هم از این منظر قیاس شوند، بدست آمده است. نتیجه دیگری که در بخش پیشرانها حائز توجه است میزان انحراف از وضع مطلوب است که با سنج "فاصله" اندازه‌گیری شد؛ نتایج این بخش حاکی از آن است که پیشرانهای "بازرگانی" و "صنایع غذایی" بیشترین فاصله را از وضع مطلوب مورد نظر خبرگان استان دارند. به علاوه در یک نگاه تحلیلی‌تر با توجه به نتایج یافته‌ها، در بررسی "عوامل اقتصادی" مشخص شد که یکی از مهم‌ترین موانع رقابت‌پذیری استان در ساختار ناکارآمد تولید استان ریشه دارد؛ پابندی به شیوه‌های تولید سنتی و عدم به کارگیری فناوری از یک سو و غیرتخصصی بودن تولید از سوی دیگر باعث نزول سطح بهره‌وری و در نتیجه آن افزایش نرخ بیکاری شده است. در بخش "عوامل نهادی-سیاسی" بر اساس نتایج تحقیق، زیرمعیار "ثبات در تصمیم سیاستمداران" در عین حالی که با توجه به سنج اهمیت به عنوان مهم‌ترین زیرمعیار رقابت‌پذیری استان انتخاب شده، اما در همان حال از نظر میزان انحراف از وضع مطلوب نیز حائز رتبه نخست شده است که این نتیجه گویای وجود شرایط نامطلوب در ساختار مدیریتی و تصمیم‌گیری استان است. هر چند ممکن است بخشی از این عدم ثبات، به دلیل ساختار تصمیم‌گیری متمرکز کشور، از مقیاس ملی به پایین نشت کرده باشد که در این صورت امکان اصلاح آن تقریباً خارج از توان استان خواهد بود؛ لیکن آنچه مسلم است، طبق نتایج این مقاله، به نظر می‌رسد که ارتقای رقابت‌پذیری (=توسعه) استان تا حد بسیار زیادی در گرو اصلاح ساختار مدیریتی و تصمیم‌گیری استان است.

در بخش "عوامل زیرساختی" بر اساس نتایج تحقیق تأسیس "پژوهشکده‌های تخصصی" به عنوان مهم‌ترین زیرمعیار تأثیرگذار در ارتقای رقابت‌پذیری استان معرفی شده است و علاوه بر تأسیس پژوهشکده‌های تخصصی استقرار "واحد تحقیق و توسعه در شرکت‌ها" و همچنین "حمل و نقل جاده‌ای" از جمله مهم‌ترین زیرمعیارهای زیرساختی مؤثر در ارتقای مزیت رقابتی استان هستند. علاوه بر این، علی‌رغم اینکه، اولویت‌های اجتماعی-فرهنگی مؤثر در رقابت‌پذیری استان، در قیاس با سایر عامل‌ها، در مجموع از اولویت کمتری برخوردار شده، لیکن به هیچ وجه نمی‌توان از اهمیت ریشه‌ای و تأثیرگذار آن بر رقابت‌پذیری استان چشم پوشید. منتج از یافته‌های تفصیلی تحقیق در این بخش به متولیان برنامه‌ریزی و سیاستگذاری استان کردستان توصیه می‌شود در فرآیند برنامه‌ریزی برای ارتقای رقابت‌پذیری منطقه، موارد ذیل را در کانون توجه خود قرار دهند:

- توجه ویژه به اصلاح نظام تولید در استان:
- با توجه به نتایج یافته‌های تحقیق، یکی از مهم‌ترین راهبردهای توسعه استان باید معطوف به ارتقای نظام تولید با گرایش به تولید مکانیزه و تخصصی باشد که اگر محقق شود می‌تواند با بالا بردن سطح بهره‌وری شرکت‌های منطقه دستکم به گفته بوروزان شرط لازم رقابت‌پذیری منطقه‌ای را محقق کند.
- توجه ویژه به بهبود ساختار مدیریتی و تصمیم‌گیری استان:
- عطف به نتایجی که در مورد زیرمعیارهای عامل "نهادی-سیاسی" بدست آمد به نظر می‌رسد توجه ویژه به اصلاح ساختار مدیریتی و تصمیم‌گیری استان و در صورت نیاز "نهادسازی متناسب با نیاز توسعه‌ای منطقه" می‌بایست یکی از مهم‌ترین راهبردهای مربوط به ارتقای رقابت‌پذیری استان باشد.
- توجه ویژه به زیرساختهای راهبردی استان:
- مدل سه سطحی استیمسون تأکید می‌کند که یکی از مهم‌ترین بخشهایی که در سنجش رقابت‌پذیری هر منطقه باید در مرکز توجه باشد "زیرساخت‌های راهبردی" آن منطقه است. نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از آن است که اکثر بخشهای مربوط به زیرساخت‌های راهبردی استان، علیرغم اهمیت غیرقابل وصفی که در مزیت رقابتی منطقه دارند، "فاصله" بسیار زیادی از وضع مطلوب رقابت‌پذیری دارند؛ لذا پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی‌های ارتقای رقابت‌پذیری استان، تقویت زیرساختهای راهبردی در کانون توجه قرار گیرد.

- توجه به تقویت عوامل اجتماعی- فرهنگی استان:
- تأثیر بی‌بدیل عوامل فرهنگی در توسعه، منتج از نظریه اقتصاد فرهنگی، از یک سو و انحراف بسیار زیاد زیرمعیارهای فرهنگی- اجتماعی استان از وضع مطلوب از سوی دیگر، لزوم توجه ویژه به این عوامل را در برنامه‌ریزی‌های ارتقای رقابت‌پذیری استان دو چندان می‌کند. لذا با توجه به نتایج تحقیق توصیه می‌شود در جهت تقویت روحیه کارآفرینی، امنیت و اعتماد، به عنوان مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی، تدابیر ویژه‌ای اندیشیده شود.

منابع و مأخذ:

۱. اکبری، نعمت‌الله و زاهد مرادی (۱۳۸۷): «بررسی اقتصادی و تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری صنعتی در استان کردستان»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی علوم اقتصادی، سال ۸، شماره ۳ (پیاپی ۳۰)، تهران، صص ۳۳-۵۸.
۲. جواهری، بختیار و بهروز هادی زنوز (۱۳۸۷): «بررسی کمی اشتغالزایی بخشهای اقتصادی استان کردستان در چارچوب جدول داده- ستانده (I-O)»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۳، تهران، صص ۱۶۳-۱۸۹.
۳. خاکی، غلامرضا (۱۳۸۸): روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، انتشارات بازتاب، چاپ پنجم، تهران.
۴. داداش‌پور، هاشم و فرانک احمدی (۱۳۸۹): «رقابت‌پذیری منطقه‌ای به مثابه رویکردی نوین در توسعه منطقه‌ای»، مجله راهبرد یاس، شماره ۲۲، تهران، صص ۵۱-۸۰.
۵. داداش‌پور، هاشم و آرمان فتح جلالی (۱۳۹۲): «تحلیلی بر الگوهای تخصصی شدن منطقه‌ای و تمرکز فضایی صنایع در ایران»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۳، شماره ۱۱، مردودشت، صص ۱۸-۱.
۶. داداش‌پور، هاشم؛ علیزاده، بهرام و بهاره مدنی (۱۳۹۰): «بررسی و تحلیل روند توسعه‌یافتگی و نابرابریهای فضایی در شهرستانهای آذربایجان غربی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۱، تهران، صص ۱۷۱-۲۰۵.
۷. داداش‌پور، هاشم؛ علیزاده، سمانه و مجتبی رفیعیان (۱۳۹۲): «سنجش توسعه‌یافتگی و نابرابری‌هایی فضایی در استان خراسان شمالی با استفاده از مدل منطق فازی»، دو فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۲۱، مشهد، صص ۱۰۳-۱۲۰.
۸. دینی ترکمانی، پوریا (۱۳۹۱): «مروری بر نظریه‌های تجارت بین‌الملل»، دو ماهنامه مجله اقتصادی، سال ۱۲، شماره ۲، تهران، صص ۹۹-۱۰۴.
۹. صباغ کرمانی، مجید (۱۳۸۰): اقتصاد منطقه‌ای (تئوری و مدلها)، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۱۰. عطایی، محمد (۱۳۸۹): تصمیم‌گیری چندمعیاره، انتشارات دانشگاه صنعتی شاهرود، چاپ اول، شاهرود.
۱۱. قربانیان، مهدی (۱۳۹۰): تحلیل و برآورد جدول داده- ستانده استان کردستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی، گروه علوم اقتصادی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه پیام نور تهران.
۱۲. مجیدی، فریبرز (۱۳۸۸): فرهنگ تلفظ نامهای خاص، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول، تهران.
13. Bellu, L., Cistulli, V., Marta, S., & Timpano, F. (2011): *Assessing regional competitiveness: analysis of stock indicators and flows variables*. <http://www-sre.wu.ac.at/ersa/ersaconfs/ersa11/e110830aFinal00765.pdf>.
14. Borozan, D. (2008): *Regional Competitiveness: Some Conceptual Issues and Policy Implications*. *Interdisciplinary Management Research*, 4 (May), pp 50-63.
15. Bronisz, U., Heijman, W., & Mischuk, A. (2008): *Regional competitiveness in Poland: Creating an index*. *Jahrbuch fur Regional wissenschaft*, 28 (2), pp 133-143.
16. Dijkstra, L., Annoni, P., & Kozovska, K. (2011): *A New Regional Competitiveness Index: Theory, Methods and Findings*. European Commission. http://www.ec.europa.eu/regional_policy/sources/docgener/work/2011_02_competitiveness.pdf
17. Huggins, R. (2003): *Creating a UK Competitiveness Index: Regional and Local Benchmarking*. *Regional Studies*, 37 (1), pp 89-96.

18. Huovari, J., Kangasharju, A., & Alanen, A. 29th August - 1st September, (2000): *Regional Competitiveness in Finland. ERSA 40th European Congress.*
19. Kitson, M., Martin, R., & Tyler, P. (2004): *Regional Competitiveness: An Elusive yet Key Concept? Regional Studies* , 38 (9), pp 991–999.
20. Lengyel, I. (2007): *Economic growth and competitiveness of Hungarian regions. 2nd Central European Conference in Regional Science (CERS)* . pp 587-608.
21. Martin, R. L. (2004): *A Study on the Factors of Regional Competitiveness.* Cambridge: University of Cambridge.
22. Martin, R. L. (2005): *Thinking about Regional Competitiveness: Critical Issues.* East Midlands Development Agency.
23. Porter, M. E. (1990): *The Competitive Advantage of Nations.* New York: The Free Press.
24. Stimson, R. J., Stough, R. R., & Roberts, B. H. (2006): *Regional Economic Development: Analysis and Planning Strategy.* Canberra: Springer.
25. Tirtosuharto, D. (2009): *Regional Competitiveness in Indonesia: The Incentives of Fiscal Decentralization on State Efficiency and Economic Growth, Ph.D. Dissertation.* George Mason University.